



پیروزی، کارگران هفت تپه تازه به نقطه صفر رسیده اند و ده ها مطالبه دیگر دارند که باید با متشکل شدن به آن ها دست یابند و تاکید کرد که شادی بابت این پیروزی حق کارگران است چرا که سال ها برای رسیدن به چنین خواسته ای رنج کشیده و هزینه داده اند. ...

ادامه در صفحه ۲

کارگران هفت تپه گامی به پیش

در پی سالها تلاش و مبارزه کارگران هفت تپه که سرکوب، زندان، تهدید و ضرب و شتم رهبران و فعالین آن از طرف رژیم را نیز بدنبال داشت سرانجام برای دادگاه مبنی برخلع ید از مالک خصوصی کنونی آن بنام اسد بیگی جشن پیروزی در محوطه کارخانه برگزار شد و کارگران ضمن سخنرانی از رهبران خود نظیر اسماعیل بخشی تجلیل کردند. اسماعیل بخشی نیز طی سخنانی ضمن تجلیل از اتحاد کارگران و تقدیر از دانشجویان، پرستاران و همه آنهایکه از مبارزات کارگران هفت تپه حمایت کردند از جمله گفت " با این

رویایی تشکیل دولت یهود "از نیل تا فرات"

طی روزهای اخیر موج دیگری از نژادپرستی، سرکوب، جنگ، کشتار و ویرانی و آوارگی، سرزمینهای فلسطین را به جهنمی از آتش خون مبدل کرده است. تشدید سیاستهای نژادپرستانه و راست افراطی صهیونیست های اسرائیل بمنظور برون رفت از بحران جاری و بن بست تشکیل دولت، آغازگر فجایی بوده است که در نتیجه آن تا به امروز ده ها فلسطینی از جمله 31 کودک بیگناه فلسطینی و هشت شهروند اسرائیلی جانباخته و صدها نفر زخمی برجای گذاشته و صدها خانه و بیمارستان زیر بمبارانها، توپ بارانها و موشک اندازها به ویرانه تبدیل شده اند.

بستن دروازه دمشق، صدور حکم تخلیه خانواده های فلسطینی از منطقه شیخ جراح در شرق بیت المقدس، تحریک راستگرایان نژادپرست و صهیونیست برای "لینچ" اعراب و کمک و حمایت نیروهای اعزامی دولت از نژادپرستان، به گلوله بستن متخصصین در مسجداقصی که در اعتراض به وقایع اخیر در آنجا بست نشسته بودند، متعاقب آن اخطار جریان ارتجاعی حماس و شلیک چندین موشک به سمت اسرائیل، بهانه لازم را به دولت نژادپرست اسرائیل داد تا بمباران، و توپ باران وسیع غزه توسط ارتش اسرائیل را توجیه کند. کشتار و ویرانی که با شدت وحدت همچنان ادامه دارد. ...

ادامه در صفحه ۲

"پیکرها بر خاک ایده ها پا"

برجاست

با تخریب خاوران نمیتوانید دستان

خون آلودتان را پنهان دارید

ادامه در صفحه ۱۴

درباره مبارزه اقتصادی کارگران و شکل اتحادیه ای و کمیته های مخفی کارخانه

صفحه ۹

اعتراضات گسترده دانش آموزان به بهانه مخالفت با امتحانات حضوری

تجمعات اعتراضی اخیر دانش آموزان به بهانه مخالفت با امتحانات حضوری در شرایط شیوع گسترده ویروس کرونا معادله جدیدی را وارد مبارزات جاری بر علیه مافیای قدرت و ثروت حاکم کرد. استفاده دانش آموزان از روشهای مختلف برای رساندن صدایشان به گوش جامعه و بهره جویی منطقی از وسائل ارتباط جمعی مدرن در بسیج نیرو و به میدان آمدن آنها در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور باعث شد تا انرژی جدیدی وارد کالبد مبارزات جاری کارگران و زحمتکشان شده و با استقبال مردم مواجه شود. ...

ادامه در صفحه ۶

اعلامیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست در
مورد مضحکه انتخابات در ایران

انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

صفحه ۶

اطلاعیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست
تنها دخالت بشریت مترقی می
تواند به جنگ در فلسطین پایان
دهد!

صفحه ۸

تسلیت بمناسبت درگذشت پوران دخت مختاری "مادر شریفی"

صفحه ۱۲

زاپاتیستها سفر تاریخی خود را به طرف اروپا آغاز کردند!

صفحه ۱۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

روایای تشکیل دولت یهود "از نیل تا فرات"

" تاریخ کلیه جوامع تا این زمان تاریخ

مبارزه طبقاتی بوده است "

تاریخ مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه طبقات

استثمارگر و استثمار شونده . میان طبقات

فرمانروا و طبقات زحمتکش . برده و آزاد .

رعیت و مالک . کارگر و سرمایه دار . با

یکدیگر که مهر و نشان خود را بر تمامی

وقایع تاریخ بشر و تحول و تکامل آن بر جای

می گذارد .

اما تلاش و مبارزه محرومان و زحمتکشان

در طول تاریخ . خود انعکاسی از شیوه

سلط تولید و مبادله اقتصادی و جایگاه

این طبقات در تولید اجتماعی بوده است .

مبارزه بردگان علیه برده داری . از حد لغو

برده داری و تلقی رعیت . صنعتکار . پیشه

ور و ... از آزادی . از چهارچوب رهانی از

بند نظام فئودالی و آزادی در مالکیت و

کسب و کار و ... فراتر نبوده است . هر

چند که این مبارزات با آرزوها و تمایلات

مساوات طلبانه و آزادیخواهانه توأم بوده

اند . تمام طبقاتیکه در گذشته به حکومت

میرسیدند تلاش می کردند تا مناسبات بهره

کشانه موجود را تثبیت کنند و آنرا تابع

خویش سازند . اما با ظهور طبقه کارگر

بعنوان نیروی عظیم تولیدی رها از مالکیت

خصوصی بر وسایل تولید . معنی آزادی و

برابری دگرگون شد . طبقه کارگر نمیی

تواند آزاد شود مگر کل جامعه را از

مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و تقسیم

جامعه به طبقات آزاد کند .

ادامه دهد . از طرفی جریانات مرتجعی نظیر حماس نیز که خود از سرکوبگران دانشجویان ، کارگران و زنان و جوانان فلسطین است ، از فرصت استفاده کرده و بر آن است تا اعتراضات عمومی توده های زحمتکش فلسطین و مبارزه آنها برای تعیین سرنوشت خویش و بازگشتشان به سرزمینهای غصب شده توسط اسرائیل را مصادره بمطلوب بکند .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست تهاجم دولت و نیروهای نژادپرست و اشغالگر اسرائیل به فلسطینیها را که دهه ها است از سرزمین و خانه و زندگی خود رانده شده اند و هر روز مورد ستم و تحقیر و ضرب و شتم نیروهای دولتی و نژادپرستان قرار میگیرند ، محکوم میکند و بر آن است که مردمان ساکن در سرزمینهای فلسطین از مذاهب و ملیت های مختلف از جمله یهودیان حق دارند بر سرنوشت خود حاکم شده و از همزیستی مسالمت آمیز و زندگی برابر و انسانی برخوردار باشند امری که برغم صدور قطعنامه های مختلف توسط سازمانهای بین المللی و تلاشهای محافل روشنفکری و صلح دوست ، تاکنون محقق نشده است و در نهایت بدون همبستگی طبقه کارگر و ملل تحت ستم و استثمار در جبهه ای انقلابی و براندازی طبقات حاکم و مافیای قدرت و ثروت در خاورمیانه و بویژه سرزمینهای فلسطین و استقرار جمهوری فدراتیو و شورائی با سمتگیری سوسیالیستی چشم اندازی برای پایان قطعی این فجایع متصور نیست .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

24 اردیبهشت 400

... همزمان در در اعتراض به اقدامات اخیر دولت و گروه های سازمانیافته نژادپرستان اسرائیل ، تظاهرات توده ای گسترده ای در سرزمینهای فلسطین و شهرهای اسرائیل بر راه افتاده است .

ما بر این باوریم که اشغال سرزمین دیگران ، جنگها و خونریزیها و تشدید اختلافات قومی و مذهبی توسط دولتها و رهبران سیاسی طبقات حاکم با پشتیبانی هم پیمانان خارجی آنها برای تداوم حاکمیت و تسلط بر منابع مالی ، نیروی کار و دسترنج توده های زحمتکش مردم بر راه انداخته میشوند و در این میان قطعنامه ها و قوانین و مقررات بین المللی به هیچ گرفته میشوند . سالها است که کشورهای خاورمیانه در آتش جنگهای نیابتی امپریالیستها و صاحبان قدرت و ثروت منطقه میسوزد . از زمان تاسیس اسرائیل تا کنون دولت های این کشور به سرکوب مردم بی دفاع و غصب و اشغال سرزمینهای فلسطینی و کشتار بیگناهان ادامه داده اند و نژادپرستان اسرائیل در روایای تشکیل دولت یهود "از نیل تا فرات" تاکنون میلیونها فلسطینی را بزور از سرزمینهای خود رانده و تحت حمایت امپریالیستها تمام قوانین بین المللی و قطعنامه های سازمان ملل را زیر پا گذاشته و به جنگ و خونریزی ادامه میدهند . اکنون نیز ناتانیاهو نخست وزیر جنایتکار اسرائیل در مواجهه با بحران حادی که با آن دست بگریبان است بر آن است تا با گسترش این جنگ و بازگذاشتن دست گروه های جنایتکار و نژادپرست در حمله به اشخاص و اماکن فلسطینیها ، پشتیبانی ناسیونالیستها و یهودیان مرتجع را جهت استمرار حاکمیت خود جلب کند و همزمان به پاکسازی قومی

کارگران هفت تپه گامی به پیش



ادامه از صفحه یک

...این اظهارات بخشی بمتابه یکی از رهبران موثر کارگران هفت تپه در اعتراضات و اعتصابات پنجسال اخیر کاملاً درست است که با تغییر مالکیت شرکت از بخش خصوصی به دولت مشکلات عدیده کارگری حتی در چهارچوب مجتمع نیشکر هفت تپه قابل حل شدن نیست چه رسد به تغییرات عمده کیفی در روند مبارزاتی کل کارگران ایران، آنگونه که برخی از احزاب و جریانات از روی تصورات ذهنی خود مدعی هستند.

این واقعیت که هر واحد تولیدی چه خصوصی باشد و چه دولتی در چهارچوب مناسبات سرمایه داری در نفس اینکه کارگران در آنجا استثمار میشوند تغییری نمی کند، انکارناپذیر است. با وجود این کارگران بعد از سالها مبارزه برای خواسته هایشان از جمله واگذاری شرکت به مالکیت دولتی خوشحالند از اینکه این بار بجای کارفرمای بخش خصوصی کارفرما و مدیران دولتی این استثمار را سازماندهی کنند. اینکه تحت نظارت کارگران باشد یا نباشد که البته در این باره حرف و حدیث بسیار است باز هم در اصل قضیه تفاوتی نمیکند که کارگران باید استثمار شوند تا انباشت سرمایه صورت گیرد والی آخر.. اما کارگران ترجیح میدهند مالکیت مجتمع به دولت برگردد و رای دادگاه مبنی بر خلع ید از اسد بیگی مالک شرکت که در فساد و رانت خواری نیز مشهور است را پیروزی بزرگ خود تلقی میکنند.

روند خصوصی سازی در هفت تپه

و از این طریق سودهای کلانی به جیب زدند و در عوض کارگران را سر دواندند حقوق هایشان را پرداخت نکردند، آنها را تحت فشارهای اقتصادی و امنیتی قرار دادند و... شرکت را به سیر قهقرائی بردند و تولید از 60 تن به 15 هزارتن در سال تقلیل یافت. در شرکتهای مشابه دیگر نظیر "هپکو"، "ایران ترانسفورد"، "ماشین سازی تبریز"، "شرکت تولید نیروی برق شاهرود"، "شرکت آب و خاک پارس"، "شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان"، "سیلوی سنقر"، "شرکت تراورس البرز"، "شرکت فولاد میبد" هم وضع از همین قرار بود، اجرای این سیاست بجای رونق تولید مورد ادعای سردمداران به افت تولید تاحد توقف آن منجر شد.

نتایج خصوصی سازیها در چهارچوب اجرای دستورالعملهای نئولیبرالیستی

واقعیت این است که خصوصی سازیها بر مبنای دستورالعملهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که به سیاست های نئولیبرالیستی مشهور است نتایج فاجعه باری برای نیروی کار در برداشته است که در اینجا ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی آن در سالهای اخیر در سرتاسر جهان نمیبزدازیم اما در کشورهای نظیر ایران نتایج فاجعه بارتری را در پی داشته است که سرنوشت شرکت نیشکر هفت تپه از جمله آنها است. طراحان این

برای اینکه روشن شود چرا خواست خلع ید از بخش خصوصی در مجتمع هفت تپه و بسیاری دیگر از موسسات و آگذاری شده به بخش خصوصی به شعار عمده کارگران تبدیل شد و در کنار سایر مطالبات پایه اصلی اعتراضات و اعتصابات آنها را تشکیل داد لازم است به روند خصوصی سازی در این شرکت ها از جمله شرکت نیشکر هفت تپه رجوع کرد.

اولاً قبل از خصوصی سازی شرکت در نتیجه حذف برخی سوبسید ها نظیر تعرفه ها که از جمله سیاست های اقتصادی نئولیبرال و بازار آزاد است، تولیدات داخلی از رقابت در برابر واردات شکر توسط تجار محترم که هر کدام به جناحی از حاکمیت وابسته اند ناتوان شده و با مشکلات عظیمی مواجه بود که سرانجام این شرکت در سال 1394 به مبلغ 291 میلیارد تومان (چندین برابر پائین تر از قیمت معمولی) به شرکت های "زئوس" و "اریا تک" واگذار شد و صاحبان جدید تنها 6 ملیار تومان از این مبلغ را پرداخت کردند و قرار بوده بقیه را در چندین قسط پرداخت کنند. اما آنها نه تنها قسطی پرداخت نکردند، بلکه در ساخت و پاخت با افراد صاحب نفوذ یک و نیم میلیارد دلار وام گرفتند تا شرکت را "بازسازی" بکنند. اما همانطور که در بالا اشاره شد آنها مقدار اندکی از این پول را به خرید تجهیزات برای فاکتورسازی جعلی صرف کردند و مابقی را در بازار آزاد ارز به چندین برابر قیمت فروختند

کارگران هفت تپه گامی به پیش

برنامه و دولتها و سرمایه داران خصوصی از قبل میدانند که واگذاری شرکتها به بخش خصوصی (که اغلب خصولتی است و این تقریباً در اکثر کشورها تجربه شده است و فقط ایران نیست که بطور عمده صاحبان رانت و وابسته های دولتی و سرمایه دارن به ثمن بخش این موسسات عمومی راصاحب میشوند) و راه اندازی آن مستلزم تغییرات عمده در ترکیب ارگانیک سرمایه است باین معنی که بخش خصوصی بعد از تصاحب یک موسسه صنعتی برای رقابت در بازار آزاد مجبور است تجهیزات نو و مدرن را جایگزین تجهیزات کهنه و ناکارآمد بکند. در این پروسه است که بنا به توصیه صندوق بین المللی پول و بنابر طبیعت نظام سرمایه داری تعدیل نیرو صورت میگیرد یعنی انبوه کارگران اخراج و یا بازنشسته میشوند تا بجای آنها کارگران جدید آموزش دیده با تعداد کم بکارگمارده شوند. این تحول اگر در کشورهای پیشرفته و دارای نظام تامین اجتماعی و سیستم بازنشستگی و حقوق بیکاری به نحوی انجام میگیرد که واکنشهای گسترده ای از سوی کارگران ایجاد نکند اما در کشوری نظیر ایران و در نبود تامین اجتماعی همه شمول، حقوق بیکاری حق مسکن مکفی و سیستم بهداشتی و امثال اینها، کارگران با معضل ازدست دادن شغل و درآمد و فشار اقتصادی زادالوصفی مواجه میشوند. دولت با واگذاری ارزان و دادن وام پیشبرد این پروسه از جمله تعدیل نیرو و حل مسئله کارگران را به مالک جدید محول میکند و اما صاحبان جدید براساس این اصل که سرمایه دنبال سود است، رفتار میکنند و سعی میکنند اگر هم در نتیجه مقاومت کارگران نتوانند اجرای همه دستورالعملها را در دستور بگذارند و یا مثلاً با

اخراجهای دسته جمعی کار را یکسره کنند، سعی میکنند از یکطرف با نپرداختن بموقع حقوق کارگران شرکت را ناتوان از پرداخت حقوقها جلوه داده به اخذ وامهای کلان موفق شوند و از سوی دیگر وامهای دریافتی را بجای نوسازی کارخانه و پرداخت حقوق و دستمزدها در سرمایه گذاریهای زود بازده و بی خطر بکارگیرند. این پروسه که با درد و رنج کارگران و همزمان سوداندوزی سرمایه داران پیش میرود با رانت خواری و فساد و اختلاس نیز توأم است. پول بی حسابی که این و آن مسئول دولتی و وابسته به حاکمیت میگیرند و منافع مجموعه اینها ایجاب میکند که کارگران را سر بدوانند، خسته اشان کنند تا یا با گرفتن وام اندکی دنبال شغل دیگری باشند و یا در صورت اسرار و تداوم مبارزه با سرکوب و دستگیری و زندان مواجه شوند. ما به تبعات دیگر این روند پیاده کردن دستورالعمل های سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم نمیپردازیم نظیر قراردادهای سفید امضا و مناسبات کار و سرمایه در شرکت های اجاره دهنده نیروی کار و مقررات زدائی از نیروی کار و غیره که در مقالات دیگر به آنها پرداخته ایم و یا نتایج اجتماعی و کلان این تحولات در بروز اجتناب ناپذیر شورشهای تهدستان و غیره که در سالهای 96 و 98 شاهد اش بودیم. چرا که موضوع بحث ما بحران شرکت نیشکر هفت تپه است و با همین توضیح کوتاه مشخص میشود که با واگذاری شرکت معضلات جدیدی به معضلات و مشکلات کارگران در زمانی که شرکت دولتی بود اضافه شده است. تعویق در پرداخت دستمزدها، اخراجها، نبود تامین شغلی، فقدان بهداشت و ایمنی محیط کار، سرداندن کارگران، استخدامها بصورت موقت، نبود تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری بی چشم اندازی و نگرانی از آینده و سرکوب زندان و نبود گوش شنوا و چشم انداز حل مشکلات

باعث شد که کارگران راه چاره را در مبارزه برای برگرداندن مالکیت شرکت به دولت ببینند تا حداقل بتوانند حقوق و دستمزدهای خودشان را بموقع دریافت بکنند از تضمین حداقلی شغلی برخوردار باشند و براحتی و بدون مزایا اخراج و در بدر نشوند.

براین زمینه بود که اعتصابات و اعتراضات کارگری در هفت تپه برغم دخالت جناح های مختلف حاکمیت که هرکدام در پی تامین منافع خود بودند ادامه یافت و بتدریج مطالبات انباشته شد و سرانجام اعتصاب متحد انه خرداد 99 را رقم زد که بعد از اعتصاب دوهفته ای در درون مجتمع به اعتصاب تظاهراتی تبدیل و به خیابان ها کشیده شد. این اعتصاب با حمله نیروی امنیتی و بازداشت چهار نفر از رهبران و فعالین کارگری پاسخ داده شد اما مقاومت و ادامه اعتصابات و خروج رهبران شجاع و با تجربه کارگری از یکسو و قبل تر خیزشهای 96 و 98 از سوی دیگر تمام تلاشهای رژیم را برای سرکوب قطعی کارگران نقش بر آب کرد و کارگران نیشکر هفت تپه شعارها و مطالبات آنها و مقاومت و پایداری آنها به الگویی برای سایر جنبشهای اجتماعی تبدیل شد و مورد پشتیبانی آنها قرار گرفت از این مقطع مطالبات زیر از جمله عمده خواست کارگران را تشکیل میداد.

-پرداخت فوری حقوق های معوقه و تمدید دفترچه بیمه
-بازگشت به کار فوری همکاران اخراج شده

-بازداشت فوری اسدبیکگی و مجازات حبس برای اسدبیکگی-رستمی

-خلع ید فوری کارفرمای اختلاس گر و بخش خصوصی از هفت تپه

-بازگرداندن فوری ثروت های اختلاس شده به کارگران

-پایان کار مدیران بازنشسته

کارگران هفت تپه گامی به پیش

و سرانجام بازگشت مالکیت بدست دولت و اداره آن با نظارت کارگران اداره شورائی

سرنوشت مطالبات و چشم انداز مبارزات

اکنون آنچه که در نتیجه مقاومت کارگران بدست آمده است (که شرایط پیش از انتخابات ریاست جمهوری و استفاده تبلیغاتی جناح های رژیم برای دادن چهره عدالت خواه به برخی از کاندیداها راه باید در نظر گرفت) کلید خوردن بازگشت مالکیت شرکت به دولت است. یعنی اگر این امر اجرائی شود یکی از خوست های کارگران مبنی بر لغو خصوصی سازی محقق شده است و از آنجائیکه بازگشت مالکیت شرکت به دولت این چشم انداز را در خود دارد که حداقل کارخانه راه بیافتد، حقوق ها پرداخت شود، اخراجها متوقف شود و کارگران از تضمین شغلی و مزایای مربوطه بهره مند شوند و... در لحظه حاضر این تغییر یک پیروزی برای کارگران محسوب میشود و در صورتی که عملی شود، که هنوز معلوم نیست، تلاش کارگران برای لغو خصوصی سازی را میتوان یک خواست موثر و گامی بجلو در مبارزه طبقاتی دانست. هر چند که خصوصی بودن و یا دولتی بودن تغییری در مناسبات سرمایه داری ایجاد نمیکند و خلاف سیاست اقتصادی سرمایه داری نیست. معهذا میتواند تاحدودی وضعیت اقتصادی کارگران را بهبود بخشد و این امید است که کارگران را حول این شعار متحد کرد و کارگران هفت تپه آنها پیروزی برای خود دانسته و به این مناسبت در محل کارجشنی بر پا کردند. یعنی این خواست با منافع عینی کارگران در این مقطع انطباق دارد. نباید فراموش کرد که تحقق حداقلی

حقوق کارگران در شرایط بحرانی فعلی میتواند به سایر واحد های تولیدی که با بحرانیهای مشابه ای روبرو هستند تسری پیدا بکند و به آن عمومیت بخشد. اما از نظر نباید دور داشت که سیاست رژیم در شرایط کنونی که تلاش میکند

تنور "انتخابات" را داغ کند، در این تصمیمات موثر است یعنی میخواهند از طرفی با حمایت از خواست کارگران مطالبات آنها را در چهارچوب خلع ید از "اسد بیگی" فاسد و "نااهل" محدود کنند و کنترل آن را بدست گیرد و از طرف دیگر با جلوگیری از دانشجویی، و جریان "عدالتخواه" که در مراسم جشن کارگران نیز حضوری پر رنگ داشتند، رهبری و هدایت آنها را مصادره بکنند. لذا ممکن است تا مدتی و گذاری شرکت به دولت را بپذیرند اما این دولتی سازی موقت در شرکت های دیگر هم دنبال شده است بدون اینکه سرانجام مطلوب کارگران را با خود داشته باشد. واقعیت این است که خصوصی سازیها تنها یکی از قوانین جاری سیاست اقتصادی دولت سرمایه داری ایران است که در چهارچوب سیاست اقتصادی سرمایه جهانی در شرایط فعلی به صورت بسیار خشنی در ایران به اجرا گذاشته میشود با این وجود ممکن است در شرایطی خصوص سازی بطور موقت لغو شود تا سرمایه دار "اهلیت" دیگری آنها را در دست گیرد و با حتی برخی از آنها دولتی باقی بمانند اما کل این سیاست یک سیاست اقتصادی جهان سرمایه داری در شرایط کنونی با تمام تبعات آن است که هیچ دولتی سرمایه داری نمیتواند از آن سرپیچی کرده و بکنار بگذارد و تازه در صورت دولتی شدن هم باز تغییرات در ترکیب ارگانیک سرمایه ناگزیر است. یعنی در صورت دولتی شدن

هم اجرای ده فرمان معروف صندوق بین المللی پول بانک جهانی و سایر ستادهای سرمایه جهانی توقف ناپذیر است. لذا این

خ. عمواوغلی
ارديبهشت 400

اعتراضات گسترده دانش آموزان به بهانه مخالفت با امتحانات حضوری



صمد معلم ماست

داوری مینشینند. آنگاه درمیابند که مبارزه ادامه دارد و تداوم مبارزه انعکاس آرزوهای تحقق نیافته شان برای آزادی و رهائی از ستم و استعمار و زور و سرکوب طبقات حاکم است و چنین است که برای نسل جدید از دانش آموزان و نوجوانان نیز سعید سلطانپورها و صمد بهرنگیها معلم ما میشوند چرا که درسهای آنها بر ضرورت داشتن هدف، برنامه و قدرت برای رسیدن به آزادی تاکید میورزد.

اینکه در شرایط تغییر یافته امروز مبارزه چه درسهایی از گذشته میتوان گرفت و امروز بکار بست، پاسخ این سؤال از نوجوانان و دانش آموزانی برمیآید که امروز به خیابانها میآیند و به مدرنترین وسائل ارتباط جمعی دسترسی دارند و تلاش میکنند و یاد بگیرند و بیشتر زندگی و مبارزه به آنها یاد میدهد که چگونه استفاده این وسائل را با اقدامات عملی تلفیق بکنند و به مصاف قدرت حاکم بروند و خود را با مبارزات کارگران و زحمتکشان، آموزگاران، بازنشسته ها، زنان، دانشجویان و سایر اقشار محروم جامعه همبسته و هماهنگ سازند.

اعتراضات دانش آموزان به بهانه امتحانات حضوری و ابعاد نسبتاً گسترده آن در شرایط کنونی تبلوری از شکاف عمیق طبقاتی در جامعه و انعکاس خشم فروخته فرزندان کارگران و زحمتکشان و ستمدیدگانی است که برغم کوشش چهل ساله رژیم برای تربیت آنها در چهارچوب نگرشهای ارتجاعی و حقنه کردن خرافات، جوانه میزنند و به جویبار تغییرات بزرگ میپیوندند تغییراتی که دیالکتیک تحولات تاریخی و زیربنایی جامعه هرکس و گروه بزرگ و کوچک را سرانجام در سمتی که باید باشد قرار میدهد. در سمت تغییر و پیشگامی تحولات و یا درماندابی که تغلایش برای نگذردن بیهوده است و در اینجا است که بعد از نیم قرن سعیدها و صمدها معلم ما میشوند و به بچه ها میگویند

” راه که بیافتید ترستان میریزد “

در تمام گروه های دانش آموزی شعار ”صمد معلم ماست و راه صمدراه ماست“ بطرز آشکاری نشان میداد که برغم گذشت ده سال از مرگ صمد، اما پیام او پیامی تاریخی و ماندگار است و نسل به نسل منتقل میشود و تا وقتی که ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری است نوجوانان طبقات زحمتکش برای حرکت و مبارزه جوئی از آن درس میگیرند. بعد از گذشت نیم قرن از جانباختن صمد طرح شعار ”صمد معلم ماست“ از سوی دانش آموزان و ابتکار عده ای از جوانان دختر و پسر در اول ماه مه امسال در ترتیب دادن تئاتر خیابانی که در آن حال و روز کارگران، بازنشسته ها، کارگرفولاد و مهاجر افغانی را بنمایش گذاشتند، در تاسی از کاربزرگ سعید سلطانپور در اجرای تاترهای خیابانی اوائل قیام 57 در افشای طبقه سرمایه دار، آنهاستیکه با تکیه بر سرنیزه سرکوب امروز نیز براریکه قدرت سوار و با تلفیق دین و دولت دمار از روزگار توده مردم درآورده اند، خود نشانگر نگاه آموزنده به تجربیات گذشته و تلفیق آن با شرایط جدید توسط نسل جوانی است که به مبارزات نسلهای گذشته ارج مینهند و از آن میآموزند.

چرا که اندیشه های آموزگاران انقلابی نظیر سعید سلطانپور و صمد بهرنگی پیام تاریخی در خود دارند که به مبارزات نسلهای بعدی و به اهداف و گفتمانها و اشکال مبارزات شان جان میبخشد. آنها در مورد گذشته فرزندان هم طبقه ای های شان و حال و روزا مرزیشان به کنکاش می پردازند و واقعیت های زندگی و رنج و مبارزه نسلهای پیش از خود را به

نوجوانانی که شکاف طبقاتی موجود و فشار اقتصادی و محرومیت های ناشی از آن بر خانواده را با پوست و گوشت خود حس میکنند و تلاش رژیم برای به انقیاد درآوردن آنها از طریق اعمال محدودیتهای بی شمار فرهنگی، رفتاری، آموزشی، پوشش و غیره و غیره نقش برآب شده و نوجوانان مدارس همچون فرزندان کارگران و زحمتکشان خواهان تغییرات بنیادی در کلیه شئون زندگی و تحصیل خود هستند و این بیداری و هماهنگی با جنبشهای اجتماعی علیه وضعیت موجود تاثیر بسزائی در گسترش و توانمندی مبارزات جاری خواهد گذاشت.

اشکال بروز اعتراضات و تجمعات دانش آموزان در موقعیت بحرانی کنونی و مبارزات در حال گسترش کارگران و زحمتکشان، اوایل قیام 57 را بیاد میآورد. درست در اواخر سال 57 با تزلزل پایه های رژیم شاهنشاهی دانش آموزان در شهرهای مختلف بویژه در تهران با سازماندهی دسته های مختلف و درعین حال متحرک، در حالیکه پلاکاردهائی با عکس زنده یاد صمد بهرنگی در دست داشتند باشعار ”صمد معلم ماست - راه صمدراه ماست“ در خیابانها و کوچه ها میگشتند و از این محله به آن محله میرفتند و گاهی دسته های مختلف بهم پیوسته و گروه بزرگی را تشکیل میدادند بطوریکه ماموران دولتی و سربازان حکومت نظامی از دست شان به ذله آمده بودند. در آتموقع وارد صحنه شدن این دانش آموزان ضمن کمک به گسترش اعتراضات و بسیج و کشاندن مردم محلات به صحنه رودروئی ها، این پیام را نیز در خود داشت که دیگر عمر رژیم سرآمده است و دیر یا زود رفتنی است.

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد مضحکه انتخابات در ایران

انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

ابتکار و خلاقیت، توطئه گریها و پروپاگاندا و حيله و نیرنگ های جمهوری اسلامی و مهره های ریز و درشت آن را در سطوح مختلف مضحکه "انتخابات" افشا و نقش برآب کنند. به ویژه ترفند و بازارگرمی عده ای مهره و مزدور محلی رژیم که شرکت در بساط "انتخابات" شوراهای اسلامی شهر و روستا را توجیه می کنند، رسوا سازند.

ما همصدا با مردم آزادیخواه اعلام می کنیم، که شرکت در سطوح مختلف نمایش "انتخاباتی" اعم از بساط شوراهای اسلامی شهر و روستا و میان دوره ای مجلس تا ریاست جمهوری با هر بهانه ای مطلقاً قابل قبول نیست و به معنای رای دادن به بقای جمهوری اسلامی، طولانی کردن عمر این رژیم منحوس، و دهن کجی به مبارزه کارگران و مردم و تداوم بدبختی و فلاکتی است که جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه به اکثریت کارگر و زحمتکش و اقشار محروم جامعه تحمیل کرده است.

ما به همه کسانی که در این بساط و از جمله در نمایش انتخاباتی شهر و روستا خود را کاندید می کنند هشدار می دهیم که اقدام آنها به معنای همکاری مستقیم با حکومت سیاه جمهوری اسلامی است و در فردای پیروزی مردم ایران، باید پاسخگوی اعمال خود باشند. ما بر این باوریم همانند دو سال قبل که در "انتخابات مجلس اسلامی" اکثریت عظیم مردم ایران شرکت نکردند، این بار نیز مردم آگاه و حق طلب با شرکت نکردن گسترده تر در مضحکه انتخاباتی پیش رو، جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف ضد مردمی اش ناکام خواهند کرد. ما کارگران، زنان، جوانان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و همه مردم معترض و جان به لب رسیده را فرا می خوانیم، علاوه بر شرکت نکردن قاطع و عمومی در نمایش "انتخاباتی" جمهوری اسلامی، با تشدید اعتراضات برای خواسته های بر حق خود و برای تامین معیشت و سلامت و واکسیناسیون همگانی، بیش از پیش جمهوری اسلامی را تضعیف و به پرتگاه سرنگونی نزدیک کرده و با صدای رسا و عمل مبارزاتی خود اعلام کنیم که "انتخاب مردم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری شورایی است.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

جمهوری اسلامی کور کرده است. خامنه ای و سپاه پاسداران، یکدست کردن حاکمیت و کلیت ساختار رژیم را به عنوان تنها و آخرین انتخاب در تحولات پیش رو و مقابله با بحرانها و شورشهای مردم برگزیده اند. اگر در دوره های گذشته همه جناح های رژیم با استفاده از اختلاف جناحی، "اصلاح طلبی" و سبز و بنفش و یا رقابت میان به اصطلاح بد و بدتر، و با هزار نیرنگ و فریب می توانستند، بخشی از مردم را به پای بساط "انتخابات" بکشانند و به خود و رژیمشان مشروعیت ظاهری بدهند، در شرایط کنونی و در حالی که اراده مردم برای جارو کردن جمهوری اسلامی به واقعیت روز تبدیل شده است، این سناریوها کارایی خود را از دست داده اند. سالها است که مردم از سیاست انتظار و توهم به اصلاح رژیم عبور کرده و به تجربه برای عموم ثابت شده است، که شرکت در هر نمایش "انتخاباتی" در رژیم اسلامی، معنایی جز رای دادن به بقای جمهوری اسلامی و تداوم فقر و مشقت و گرسنگی و بیکاری و بیماری و محرومیت ندارد.

ما کمونیست ها و آزادی خواهان طی ۴۲ سال گذشته، در همه مقاطع، همیشه و به روشنی گفته ایم که نه تنها "انتخابات" که همه ابزارهای رژیم در خدمت به انقیاد درآوردن اراده اکثریت مردم، برای بقا و تداوم حاکمیت ستمگرانه آنان است. نمایش های انتخاباتی رئیس جمهوری تا مجلس و انتخابات شوراهای شهر و روستا، تماماً در خدمت بقای حاکمیت سیاه رژیم اسلامی، گسترش فقر و فلاکت و ستم و استبداد است و کوچکترین ربطی به امیال و آرزوهای اکثریت عظیم مردم ندارد. بویژه در شرایطی که اکثریت مردم کارگر و تهیدست در یک جدال سخت و روزانه بر سر رفاه و آزادی و رهایی از ستم و استثمار با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در جنگند، مضحکه "انتخابات"، تماماً در ضدیت با منافع و زندگی همین مردم است و به این دلیل با صدای رسا می گویند که نه تنها در مضحکه "انتخابات" شرکت نمی کنند، بلکه هر جا فرصت و امکانش را داشته باشند، بساط "انتخابات" را به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل می کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست انتظار دارد که کارگران، زنان، جوانان و مردم مبارزی که حماسه های مبارزاتی دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ را خلق کردند، با همه

نمایش "انتخاباتی" ریاست جمهوری، میان دوره ای مجلس و شوراهای اسلامی به زودی برگزار می شود. مضحکه "انتخابات" این بار، بیش از هر دوره ای بی رمق و مورد انزجار و اعتراض توده وسیع کارگر و مردم است. بی علاقه و نفرت مردم از رژیم اسلامی آنچنان عمیق و گسترده است که علناً و بدون واژه، می گویند که در نمایش ضد مردمی "انتخابات" شرکت نخواهیم کرد. رویگردانی از جمهوری اسلامی و شرکت نکردن در این مضحکه به حکم شرایط سیاسی کنونی برای اولین بار به یک گفتمان عمومی در میان مردم تبدیل شده است.

از خامنه ای تا بقیه سران رژیم آشکارا از "نه" گفتن مردم به این مضحکه های انتخاباتی بشدت نگران و با عجز و ناله از مردم می خواهند که در انتخابات شرکت کنند. هدف آنها این است که در شرایط کنونی، حکومتشان را برای مقابله با مردم و تمکین و سازش با غرب و آمریکا از طریق این انتخابات نمایشی یکدست سازند. اما سیر وقایع سیاسی، بخصوص در چهار سال گذشته از دی ماه به این سو، مهر خود را بر این اوضاع کوبیده است و به همه سران رژیم سرمایه داری و اسلامی ایران فهمانده است، نه تنها سیرک "انتخابات"، بلکه مشروعیت کلیت رژیم اسلامی از نظر اکثریت مردمی که جز رنج و مشقت و فلاکت خیری ندیده اند، تماماً زیر سؤال است. و کارگران و همه اقشار تهیدست جامعه در اعتراضات و تظاهرات و خیزشهای بزرگ، عمق این نارضایتی و نفرت خود را از سیستم سرمایه داری و حاکمیت مشتی دزد و فاسد به نمایش گذاشته اند. آنها نشان دادند که شیادی و فریبکاری رژیم را دیگر تحمل نخواهند کرد. صورت مسئله اصلی مردم، امروز نه "انتخابات"، که سرنگونی و گذر از جهنم جمهوری اسلامی است. اگر بورژوازی جهانی از ترس قیام گرسنگان در ایران به جمهوری اسلامی رضایت می دهند، برای اکثریت کارگر و مردم زحمتکش که غرق در فقر و فلاکتند، این رژیم غیر قابل قبول و با آن در ستیزند.

واقعیت این است که جامعه ایران تحولات مهمی را از سر می گذراند. موقعیت کنونی و رویارویی مردم با جمهوری اسلامی و شرایط بشدت بحرانی که کلیت رژیم اسلامی در آن قرار دارد، هر نوع چشم اندازی حتی کوتاه مدت برای برون رفت از این بحران را برای

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تنها دخالت بشریت مترقی می تواند به جنگ در فلسطین پایان دهد!

این باور است، اگر دولت نژاد پرست و جریانات راست افراطی اسرائیل و نیز دولت های امپریالیستی همراه با جنبش ارتجاعی اسلامی از این جنگ و جدال بهره می جویند، اما مردم کارگر و زحمتکش فلسطین و اسرائیل هیچ نفعی در آن ندارند. تنها اقدام مشترک همین مردم و پشتیبانی بی دریغ بشریت مترقی از حق عادلانه مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای سال ۱۹۴۷ می تواند بر این تراژدی تاریخی نکته پایانی بگذارد. تظاهرات مشترک نیروهای مترقی و پیشرو اسرائیل همراه با اعراب ساکن اسرائیل علیه این بربریت همزمان با این جنگ و جدال خونین در شهرهای اورشلیم و تل آویو بیان آشکار این امر است که بدیل انسانی و پیشرو برای پایان دادن به این بحران تاریخی موجود است. این بدیل تنها می تواند مبتنی بر آزادیخواهی و برابری طلبی و ایجاد کشور مستقل فلسطین باشد.

هفتاد و سه سال بعد از روز "فاجعه" که در آن هفتصد هزار فلسطینی در جریان حملات تجاوزکارانه دولت جدید التأسیس اسرائیل از روستاها و خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و صدها شهر و روستا خالی از جمعیت و یا تخریب گردیدند، که ره آورد آن تجاوز، آواره نشینی بیش از چهار میلیون فلسطینی در اردن، سوریه، لبنان، در اردوگاه ها و یا در زندان بزرگ غزه است. اکنون نیز باید فلسطینیان ساکن اورشلیم پاکسازی شوند و ساکنین غزه به خون کشیده شوند تا آخرین گام ها برای پاکسازی قومی برداشته شود. این تاریخ خونبار هفتاد و سه ساله، هم شرح جنایت هائی است که در حق فلسطینی ها روا رفته است و هم تاریخ مقاومت های پرشور همین مردم و هم تاریخ تراژدی مردمی که بعد از هفتاد و سه سال جریانات بیرحم، عقب مانده و ارتجاعی چون حماس، حزب الله و یا جمهوری اسلامی در نقش مدافعین آنان ظاهر می شوند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر

بیش از یک هفته است که مردم فلسطین بار دیگر قربانی جنگی ویرانگر شده اند که در یک سوی آن یک رژیم نژادپرست و اشغالگر قرار گرفته و در سوی دیگر، یک جریان ارتجاعی اسلامی و تروریستی که به نام مردم فلسطین در آتش این جنگ می دمد، در یک طرف یکی از قوی ترین زرادخانه های نظامی و در طرف دیگر موشک پرانی نیروئی که صحنه را برای اعلام حضور خود مناسب می بیند. اگر در روزهای اول این ساکنین عرب زبان اسرائیل بودند که قربانی سرکوبگری پلیس و نیروهای امنیتی اسرائیل و تهاجمات شهرک نشینان راست افراطی قرار می گرفتند، اکنون ساکنین نوار غزه هستند که زیر حملات هوایی رژیم اشغالگر باید خانه هایشان بر سرشان خراب شود.

نتانیاهو نخست وزیر نژادپرست اسرائیل با تمجید از نیروهای پلیس، این جنایات و آتش باران و بخون کشیدن غزه را روند پایتخت سازی بیت المقدس از جانب مردم اسرائیل معرفی می کند. همان سیاستی که ترامپ در جریان "معامله قرن" اش رسمیت بخشید. قرار است تبدیل کردن بیت المقدس به پایتخت اسرائیل از مسیر پاکسازی قومی و به خون کشیدن مردم تحت ستم و حق طلب فلسطین بگذرد. این سیاست و سخنان گستاخانه چیزی جز تقدیس یک طرح اشغالگرانه نیست. دولت اسرائیل به شهرک سازی تاکتونی در بیت المقدس شرقی به منظور تغییر ترکیب جمعیت آن بسنده نکرده و چشم انداز جابجایی را در برابر فلسطینیان که چهل درصد جمعیت آن را تشکیل می دهند قرار داده است. شهرک نشینان راست افراطی تا دندان مسلح که سیاستمداران راست آنها را سازمان داده و تجهیز کرده اند، اصرار دارند که دادگاه عالی اسرائیل اخراج خانواده های فلسطینی را از بیت المقدس شرقی رسمیت ببخشد.

از حق حیات مردم فلسطین دفاع کنیم! در مقابل این جنگ خونین

ساکت نباشیم!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

24 اردیبهشت 1400 برابر با 14 مه 2021

امضاء ها : اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان

(اقلیت) و هسته اقلیت

درباره مبارزه اقتصادی کارگران و شکل اتحادیه ای و کمیته های مخفی کارخانه

برای اینکه مشخص شود مناسب ترین نوع شکل کارگران چیست اول باید ببینیم این شکل ها چه هدفی را دنبال می کنند. برای درک این مسئله نخست به اشکال عام شکل کارگران در زمان شکل گیری آغازین شکل های آنان باز می گردیم و به گذشته دورتر می رویم.

در آغاز رشد سرمایه داری یعنی در شرایطی که تکنولوژی و صنایع هنوز رشد کامل کرده بودند، نیروی کارگران پراکنده بود و رقابت مابین آنها حاکم بود و نمی گذاشت نیروی متحد کارگران علیه سرمایه شکل بگیرد، این رقابت اولیه خود پراکندگی را به کارگران تحمیل کرد و پراکندگی، و رقابت را دامن می زد اما بتدریج که تکنیک رشد کرد و صنایع پیشرفته انبوهی از کارگران را در کارخانه ها گرد آورد، وقتی کارخانه های عظیم صنعتی جای سیستم مانوفاکتور را گرفت، اولین تلاش خودبخودی کارگران در مبارزه آنان علیه استثمار و بندگی به شکل گیری خودبخودی سندیکا و اتحادیه ها انجامید که خود عاملی بود برای از میان بردن همان رقابت، به این ترتیب شکل های اتحادیه ای

قبل از اینکه نقطه ستیز خود را متوجه سرمایه کرده باشند، کوشش خود انگیخته ای بود برای از میان بردن رقابت در بین خود کارگران.

اقدامی بود برای نه زیر ضرب بردن سیستم سرمایه داری، بلکه اتحادی بود برای بهبود شرایط کار و تعدیل بندگی مزدوری. سندیکاها و تشکل های اتحادیه ای مطالبات رفاهی کارگران را در چارچوب نظم استثمارگرانه سرمایه داری طلب می کرد و به صورت مانعی نیرومند در برابر اجحافات و ستم سرمایه در می آمد. خلاصه کلام اساس فعالیت اتحادیه ها به مبارزه حول مطالبات روزمره کارگران و قرارداد مابین کارگران و سرمایه داران حول میزان دستمزد، زمان کار و شرایط کار محدود می شد. هدفی که سندیکاها بصورت خودبخودی دنبال می کردند. متشکل نمودن نیروی عمومی وسیع و پردامنه کارگران برای بهبود قرارداد کار و تلاشی بود برای جلوگیری از تشدید فشار دائمی سرمایه داران که مداوما تلاش داشتند شرایط کار را برای کارگران سخت تر کنند و میزان استثمار را هر چه بیشتر تشدید نمایند.

اما هدف سندیکاها به همینجا ختم نشد و در همین محدوده درجا نزد. شکل گیری خودبخودی سندیکاها و مبارزه دائمی مابین کار و سرمایه بر سر شرایط کار افت و خیز این مبارزه و عقب نشینی ها و پیش روی های که اردوی کار در برابر سرمایه داشت، همراه با رشد مارکسیسم و نفوذ آن در میان کارگران، به سندیکاها نقش جدیدی داد و بصورت ابزاری برای بری سمت و سو دادن به تقابل با کل نظام و امحاء آن اهمیت بیشتری یافت، ضرورت نفوذ کمونیستها در میان سندیکاهای کارگری و تبدیل آنها به سندیکاهای سرخ در همین رابطه اهمیت پیدا می کند.

با این وجود با توجه به اهمیت و نقشی که اتحادیه ها در سازماندهی و تشکل کارگران بعهده گرفتند، هرگز نمی توانستند خود به شکل مستقلی برای الغای نظام سرمایه

داری مبدل شوند. چرا که یکی ساخت و بافت اتحادیه و دیگری سطح محدود مبارزه اتحادیه ای مطلقا اجازه نخواهد داد که اتحادیه ها و سندیکاها به ارگانهایی برای سازماندهی مبارزه سیاسی کارگران برای سرنگونی نظام سرمایه در آیند. این تشکلهای اساسا تشکلی صنفی هستند و در چارچوب نظام سرمایه داری معنا و مفهوم پیدا می کنند. درست مثل نفشی که دستگاهای بوروکراتیک اداری دولتی برای بورژوازی ایفا می کنند. با این تفاوت که بورژوازی طریق نهادهای دولتی و دستگاه متمرکز خویش حاکمیت تمام و کمال خود را بر جامعه و بر زندگی کارگران تحمیل می کند، اما کارگران با سندیکاهای خود فقط می توانند بر سر شرایط رفاهی بهتر در نحوه فروش نیروی کارشان چانه بزنند. این امر یعنی ساخت و بافت مشخص اتحادیه ها و کشاکش دائمی مبارزه بر سر شرایط کار، مادام که اقتصاد سوسیالیستی حاکم نشده باشد به اتحادیه ها خصلت پایدار می دهد و جنبش اتحادیه ای را به جنبش پایدار در سطح عموم جنبش طبقه کارگر تبدیل می کند.

همین خصلت یعنی شکل و خصلت پایداری جنبش اتحادیه ای و پتانسیل و ظرفیتی که اتحادیه ها و سندیکاها در تسریع مبارزه سیاسی و جدال طبقاتی کارگران دارد، خصم طبقاتی یعنی بورژوازی را بر می انگیزد در اتحادیه ها و سندیکاها نفوذ کنند، کنترل و هدایت آنها را بدست بگیرند و نگذارد تشکلهای سندیکائی در خدمت جنبش طبقاتی کارگران قرار بگیرد.

اما هجوم بورژوازی به سمت اتحادیه و علیه تشکلهای سندیکائی یک شکل و از طریق یک سیاست نیست. سرمایه داران و حکومتشان متناسب با نحوه فعالیت اتحادیه ها و نقشی که در مبارزه کارگران دارند به اعمال سیاستهای مختلف در مقابل آن دست می زنند.

مثلا وقتی احساس کنند اتحادیه ها منافع طبقاتی شان را به خطر انداخته و کلیت حکومتشان را مورد تعرض قرار می دهد،

درباره مبارزه اقتصادی کارگران و شکل اتحادیه ای و کمیته های مخفی کارخانه

در خلال فقط نزدیک به یک دهه در شرایط دیکتاتوری فاشیستی رضا شاه، به انهدام گرائیدند و بعدها در تعرض آشکار توده ای سالهای ۱۳۲۰ تا ۳۲ بار دیگر روئیدند و دوباره همراه شکست جنبش انقلابی در سالهای پس از ۲۸ مرداد رو به افول قطعی گذاشتند. از این پس سندیکاها و معدودی اتحادیه ها بصورت دفاتر مهرو موم شده ای در آمدند که بیشتر نقش اسمی داشتند و به ضامن و ملحقات ساواک شاه تبدیل شده بودند.

بعد از قیام ۵۷ و پس از یورش سعبانه جمهوری اسلامی به تشکلهای کارگری همراه با شوراهای کارگری زیر ضرب سرکوب فاشیستی قرار گرفتند و بکلی منهدم شدند. بگونه ای که امروز هیچگونه تشکل مستقل کارگری جز موارد معدودی که آنها هم در نتیجه سرکوب و محدودیتهای مختلف از پایه نوده ای خود جدا شده اند وجود خارجی ندارد و مبارزه اقتصادی کارگران حتی حول ابتدائی ترین مطالبات آنان نیز نیروی متشکل و سازمانیافته کارگران در سطح سراسری را پشت سر خود ندارد. این در شرایطی است که جمهوری اسلامی و سرمایه داران سخت ترین شرایط کار را به کارگران تحمیل می کنند، بهر طریق که بخواهند علیه آنان دست به وحشیانه ترین شیوه های استثمار می زنند، ساعات کار را بی مهابا بالا می برند، دستمزد کارگران را کاهش می دهند و بنا به میل خود کارگران را بدون بیمه و بدون بازخرد و بدون حق بازنشستگی از کار اخراج می کنند، پرداخت حقوقهای را به تعویق میاندازند. هیچ قانونی جز قانون جنگل و خودکامگی سرمایه داران بر کارخانه ها مراکز تولید حاکم نیست و هیچ قرارداد و معاهده ای مابین کارگر و سرمایه دار به رسمیت شناخته نمی شود. هیچ نیروی متحدی که قادر به مهار تالانگری و روزگونی سرمایه داران باشد، نیست. البته برغم همه اینها ما شاهد مبارزات متشکل کارگران بخشهای مختلف مثل نیشکر هفت

غیره از یک طرف راه هر گونه خروج کارگران از محدوده جنبش اتحادیه ای را می بندند، اما از طرفی دیگر مبارزه اتحادیه های آنان را برای شرایط کار بهتر باز می گذارند. اسن سیاست را در جنبش اتحادیه ای کارگران عموماً از طریق ستون پنجم خود یعنی از طریق سازمانها و احزاب رفرمیست پیش می برند تا مانع از جرعه های آگاهی در میان کارگران شوند. این تشبثات البته نقش جنبش های اتحادیه ای را منتفی نمی سازد و علیرغم عدم میل و اراده سرمایه داران اتحاد کارگران را زایل نمیکند، بلکه به تناسب اینکه رهبری اتحادیه ها بدست طبقه کارگر باشد یا بدست بورژوازی و یا ستون پنجم بورژوازی مضمون فعالیت اتحادیه ای تغییر می کند. اما آنچه که در نتیجه این کشاکش عموماً ثابت می ماند ظرفیت و توان مبارزه اتحادیه ای است که خود بنتهائی و بدون وجود حزب پرولتاریا هرگز قادر به درهم شکستن چارچوب نظام سرمایه داری نیست.

با این توضیح ببینیم خود ویژگی کشورمان و نقش جنبش اتحادیه ای در مبارزه کارگران ایران چیست؟

اگر مروری کوتاه بر تاریخچه جنبش اتحادیه ای در ایران بیاندازیم بر ایمان روشن می شود که در کشور ما که سرمایه داری زیرسایه سرنیزه و نظانهای سرکوبگر پاگرفته و استثمار را به بینهایت رسانیده است، جنبش اتحادیه ای مطلقاً نتوانست پایدار بماند و جز در مقاطع کوتاهی که در نتیجه مبارزات توده ای و تغییر توازن قوا آزادیهای نسبی فراهم شده اتحادیه ها بطور موقت پاگرفته اند، کارگران هرگز قادر نگشتند در تشکلهای اتحادیه ای و سندیکائی خود متشکل گردند.

اتحادیه ها در گذشته در دوران کوتاهی همزمان با انقلاب مشروطیت ایجاد گشتند و

قبل از همه به درهم شکستن و انهدام آن اقدام می کنند و در صورتی که احساس خطر نکنند سعی دارند با گرفتن رهبری و کنترل اتحادیه ها و سندیکاها این ارگانهها را به الت دست خود و وسیله ای برای اعمال سیاست های خویش مبدل سازند. البته این تلاش راه بجائی نمی برد و نمی تواند پیوند اتحادیه ها و سندیکاها را در شکل پایدار آن با توده های کارگران قطع کند بلکه در بهترین حالت برای سرمایه داران مانع بروز انگیزه های سیاسی در مبارزه روزمره کارگران می شود.

برای روشن تر شدن مسئله در این زمینه بیشتر مکت می کنیم. قبلاً گفتیم سرمایه داران دائماً تلاش دارند میزان استثمار را بطور روبه تزایدی بالا ببرند و شرایط کار را برای کارگران سخت تر نمایند.

اشتهای سیری ناپذیر سرمایه داران هرگز تمامی ندارند، اما سختی شرایط کار بستگی به رشد تکنولوژی و گسترش صنایع دارد. شرایط کار هرچه که صنعت عقب مانده تر باشد، وحشیانه تر و کار شاق و دشوارتر است. با رشد صنعت و تکنولوژی شرایط کار کارگر ساده تر می گردد. ولی در مقابل با افزایش میزان تولید و بالا رفتن بهره وری کار استثمار کارگران در روند معکوس، شدت می یابد و متناسب با رشد تکنولوژی بالا می رود. همین مسئله به سرمایه داران اجازه می دهد درباره شرایط کار دست و دل بازتر عمل کنند و از مبارزه اقتصادی کارگران چندان بیمی بخود راه ندهند. سرمایه داران حتی از مبارزه اتحادیه ای کارگران گاه پشتیبانی هم می کنند. این در شرایطی است که از آینده این مبارزات احساس خطر نکنند. در کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داران با محکم کردن اقتدار اجتماعی خود از طریق دستگاههای دولتی، سیستم آموزشی و غلبه فرهنگی و هنری و

تپه و ديگر صنايع ومعدان هستيم اما صحبت ما درباره تشکلهای سراسری وپايدار است . آيا برآستی عدم وجود تشکلهای اتحاديه ای در ايران يک مورد استثنائی است و يا به ضعف تجربه و نيروی کارگران بر میگردد. اگر بپذيريم که تشکلهای سندیکائی يک نوع سازماندهی خودبخودی کارگری و محصول رشد تضاد کار و سرمايه است بايد بپذيريم که عدم وجود سندیکا در ايران، نمی تواند با قانونمندی های حاکم بر جنبش کارگری ايران و ویژگی روينای سياسی جامعه که عموماً ديکتاتوری عريان و لجام گسيخته بورژوازی است، همخوانی نداشته باشد.

واقعيت اين است که در شرايط اقتصادی - اجتماعی ايران در شرايط کنونی اقتصادی- اجتماعی اين نظام، که تشديد استثمار کارگران را به اعلا رسانده و فشارهای دهشتناکی بر زندگی کارگران وارد می آورد، هرگونه تشکل مستقل کارگری مبارزه عموم طبقه کارگر را بر می انگيزد و هرگونه تجمع و اتحاد نيروی کارگران در هر حرکت ساده اعتراضی به مقابله با کل نظام سرمايه کشيده می شود و هر مبارزه اقتصادی بلافاصله از حد متعارف مورد پذيرش بورژوازی فراتر می رود، در هراس از اين خصلت رشد يابنده مبارزات کارگران است که رژیم های ارتجاعی و ديکتاتوری های عريان حاکم بر کشور ما هميشه و همواره درنده خوئی خود را عليه کارگران و در مقابله با مبارزه اقتصادی آنان بنمايش می گذارند و از خوف از هم پاشی کليت نظام و از دست دادن کنترل اعتصابات کارگری، هرگونه تشکل علنی کارگران را مورد هجوم وحشیانه قرار می دهند.

خلاصه کلام تشکلهای اتحاديه ای تنها زمانی می توانند بمثابه يک تشکل توده ای کارگری در برابر فشارهای دائمی سرمايه داران و دولتشان پايرجا بمانند، سرباط کار را بهبود بخشند و دست آوردهای آنان را حفظ نمايند که بتوانند نيروی وسيع کارگران را در درون خویش گرد آورند. و اين ممکن نيست مگر آنکه تشکلهائی علنی باشند و مبارزات

عمومی و روزمره کارگران را که در شکل اقتصادی آن مبارزه ای است علنی، سازماندهی کنند.

اتحاديه های پايدار، اتحاديه های علنی هستند و نمی توانند در اشکال مخفی خود به مبارزه اقتصادی کارگران تشکل و وسعت دهند. نه اعتصاب را می شود مخفی کرد و نه مبارزه برای افزايش دستمزد را با مخفی کردن ميتوان متحقق ساخت پس وظيفه اتحاديه ها، سازماندهی مبارزه اتحاديه ای است.

اتحاديه اهرمهای مبارزه برای مطالبات روزمره اقتصادی هستند و فقط در شکل علنی می توانند پايداری جنبش اتحاديه ای را حفظ کنند.

مبارزه اتحاديه ای، مبارزه ای است در حوزه اقتصادی که نيروی پراکنده و متفرق کارگران را در برابر سرمايه داران متشکل و متحد می سازد، اتحاديه ها اين مبارزه را سازمان می دهند، ولی اتحاديه ها در همينجا

است. اما اينکه چه نوع تشکلی در چه شرايطی و چگونه برپا می گردد، خود مهمترين مسئله ای است که امروزه به جدال نظری حائز اهمیتی در جريانات چپ مبدل گشته است. واقعيت هم اين است که بدون ايجاد و برپائی تشکل های مستقل توده ای کارگران قادر به سازماندهی، هدايت و رهبری مبارزه طبقه کارگر نخواهيم بود و به ارتباط و پيوند ما بين سازمان سياسی طبقه کارگر و جنبش کارگران موفق نخواهيم گشت.

البته اين بمثابه آن نيست که تلاش برای برپائی حزب طبقه کارگر را منوط به وجود و برپائی تشکلهای کارگری بنمائيم و يا بالعکس، بی توجه به مسئله تشکلهای کارگری به برپائی حزب کمونيست يعنی حزب طبقه کارگر اقدام کنيم.

فعاليت و تلاش ما در اين دو زمينه بايد بموازات هم و پايپای يکديگر صورت بگيرد.

برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی برشوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم .

در اينجا بايد خاطر نشان کنيم که آنچه تاکنون به فعاليت چپ ايران لطمه زد و بويژه سازمان ما را با نفوذ عميق و گسترده آن در ميان کارگران درگذشته از نقش واقعی خویش منحرف نمود، همانا عدم توجه به مسئله ضرورت تشکلهای کارگری و کم بها کردن جنبش اتحاديه ای کارگران و بی اهميت ساختن يا بهتر بگويم منتفی اعلام کردن امر برپائی و ايجاد تشکلهای توده ای کارگران و سازماندهی مبارزه اقتصادی آنان بوده است. سازمان ما بمثابه پر نفوذترين سازمان کمونيستی در دردهه 50 ميان توده کارگران نه تنها به اين مبارزه و تشکلهای مستقل کارگران اهميت لازم را نمی داد،

درجا نزدند بلکه توانستند بمثابه تشکلی نيرومند برای فشار معنوی عليه سرمايه داران نیز عمل کنند و در سرعت بخشيدن به اعلان جنگ واقعی عليه کل نظام سرمايه داری اهميت ویژه ای کسب نمايند.

از آنجائی که مبارزه ما بين کار و سرمايه تا پيروزی کامل طبقه کارگر و امحاء نظام طبقاتی ادامه دارد، شکل گيري و ايجاد تشکل های کارگری که بتواند اين مبارزه را سازمان دهد و نيروی عموم توده های کارگر را عليه سرمايه داران بسیج کند، امری است اجتناب ناپذير و دارای ضرورت قطعی برای پيوند مبارزه توده کارگران با حزب سياسی اش و تضمين پيروزی آن

درباره مبارزه اقتصادی کارگران و شکل اتحادیه ای و کمیته های مخفی کارخانه

کارگران داشته باشد. این ممکن نیست مگر آنکه اتحادیه ها و سندیکاها در شرایط دمکراتیک و نیمه دمکراتیک و در دورانی که دیکتاتور بورژوازی روبه ضعف و ناتوانی گذشته است، ایجاد گشته و در میان نیروی انبوه کارگران ریشه دوانده باشد. در غیر اینصورت شکل های اتحادیه ای بدلیل فقدان قدرت نفوذ در میان کارگران در شرایط دیکتاتوری ها فاشیستی در نطفه سرکوب خواهند شد و قبل از ریشه گرفتن خواهند خشکید. قدرت اتحادیه ها و آنچه که اهمیت اتحادیه ها و سندیکا و سایر اشکال تشکلهای توده ای کارگران را مشخص می کند. همانا قدرت نفوذ وسیع آن در میان توده کارگران یا بهتر بگوئیم خصلت توده ای این تشکلهاست. تشکلهای توده ای کارگران اگر نیروهای وسیع کارگران را دربر نگیرند، اگر در میان عموم کارگران نفوذ نداشته باشند، دیگر تشکل توده ای نیستند و نمی توانند وظائف یک سازمان وسیع توده ای را بدوش بگیرند. پس آن تشکلی که می تواند و باید امروز ما تمام تلاش خود را برای برپائی اش بکار بگیریم آن نوع تشکلی است که از یک طرف بتواند در شرایط سرکوب و خفقان پلیسی پا بگیرد و ثانیاً مهمتر از آن وسیع ترین توده کارگران را دربر بگیرد. یعنی تشکلی مخفی برای یک مبارزه علنی، تشکیلاتی که باید در عین نفوذ در میان عموم توده های کارگر، بطور کامل از چشم پلیس سیاسی مخفی باشد. تشکلی که هم بتواند مبارزه اقتصادی و هم مبارزه سیاسی کارگران را سازماندهی و هدایت نماید. اینکه چرا کمیته کارخانه مناسب ترین شکل تشکلهای مستقل کارگری است و چگونه بوجود می آید بحثی است که در شماره های آینده ادامه خواهیم داد.

تبدیل می کند، به ایدآلیسم می غلطد، درک مکانیکی سازمان پنهانکار را برای پنهانکاری می خواهد، مثل علم برای علم، هنر برای هنر و مبارزه برای مبارزه، یعنی همان شعار جنبش همه چیز و هدف هیچ چیز!

امروز مجادله دیگر نه بر سر ضرورت یا عدم ضرورت تشکلهای کارگری، بلکه صحبت بر سر چه نوع تشکلی و چگونگی برپا کردنی است.

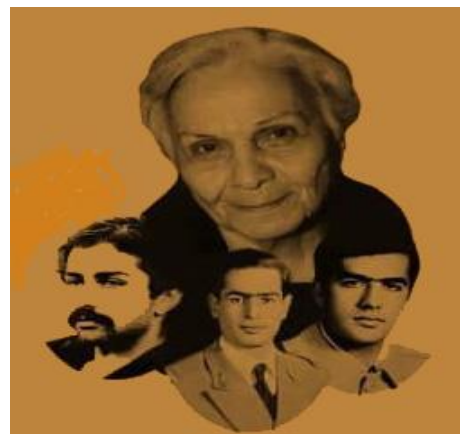
بعضی ها چنین تبلیغ می کنند که گویا ما مخالف اتحادیه ها و مبارزه اتحادیه ای کارگران هستیم. در حالیکه امر ضرورت وجود اتحادیه و اهمیت جنبش اتحادیه ای با شرایط ایجاد آن و تشخیص مناسبترین شکل تشکل توده ای کارگران، امری است مجزا از یکدیگر و متفاوت از هم!

اتحادیه ها اگر شرایط حضور داشته باشند کسی نمی تواند مانع از ایجادشان گردد. همانطور که مبارزه رفاهی و اقتصادی کارگران نیز هرگز در نظام سرمایه داری تعطیل بردار نیست. برپا نمودن اتحادیه ها بدون وجود شرایط آن و بصورت اراده گرایانه امکانپذیر نیست، چرا که اتحادیه ها اساس تشکلهای علنی هستند و در شرایط خفقان پلیسی امروز ایران نه تنها اتحادیه ها بلکه هیچ تشکل علنی دیگری نمی تواند ایجاد شود. چون همانطور که گفتیم در شرایط ایران هر حرکت مبارزاتی کارگران بر سر بهبود شرایط کار و هر مبارزه اقتصادی آنان سریعاً جنبه سیاسی پیدا می کند و شور و شوق واقعی کارگران را در اعلان جنگ علیه کل حکومت جمهوری اسلامی بر می انگیزد. در کشور هائی نظیر ایران و با روبنای دیکتاتوری عریان فاشیستی، تشکل های اتحادیه ای فقط بشرطی می تواند پا بگیرد که پایه های نیرومند و بنیان ریشه داری در میان

بلکه همیشه با یگ مهر رفرمیستی خود را گیرودار معضلات آن خلاصی می بخشید و خود را مطلقاً درگیر چنین مسائلی نمی کرد. سرچشمه این تفکر همان پوپولیسم ریشه داری بود که "سازمان انقلابیون حرفه ای" را نه برای سازماندهی طبقه کارگر، نه برای محو نظام طبقاتی و استقرار سوسیالیسم، بلکه تنها برای نفی دیکتاتوری می خواست، این تفکر نقش تشکلهای کارگری و ضرورت سازمان کارگران را در امر تشکیل حزب پرولتاریا بطور مشخص نفی می کند و اکونومیسم نابی را آشکار می نماید که سازمان انقلابیون حرفه ای را فقط برای سازمان انقلابیون حرفه ای می خواهد. همانگونه که پوپولیسم مبارزه مخفی و پنهانکاری را نه برای سازماندهی مبارزه طبقه کارگر بلکه برای خود پنهانکاری و کار محفلی می خواهد. سازمان انقلابیون حرفه ای برای کمونیستها و طبقه کارگر، وسیله ای است برای نفوذ عمیق و گسترده در میان نیروی عظیم توده طبقه، برای بسیج عمومی آن و آرایش و سازماندهی طبقه ای آگاه برای به زانو در آوردن بورژوازی.

مخفی کاری و پنهانکاری برای چنین سازمانی وسیله ای است برای حفظ و تداوم این مبارزه در مقابل نیروی سرکوبگر و پلیس سیاسی حکومت سرمایه که تلاش دارد هرگونه تشکل و هر نوع سازمان سیاسی و مخفی کارگران را قلع و قمع نماید و نگذارد ارتش عظیم کار بصورت ارتشی منظم و یکپارچه پا بگیرد. اما پوپولیسم در گیرودار نبرد با دیکتاتوری و در فراموشی سپردن مبارزه اقتصادی- سیاسی طبقه کارگر و فارغ از این درک مارکسیستی که جنگ مسلحانه و قیام طبقه کارگر علیه حاکمیت سرمایه دار عالی ترین شکل مبارزه سیاسی پرولتاریاست، وسیله را برای خود به هدف

تسلیت بمناسبت درگذشت پوراندهخت مختاری "مادر شریفی"



با کمال تأسف با خیرشدم که روز چهاردهم اردیبهشت رفیق پوراندهخت مختاری، زنی مبارز و مقاوم، معروف به "مادر شریفی" بدرود حیات گفته است. پوراندهخت مختاری مادر رفقا چریک فدائی فرامرز شریفی که در سال ۵۱ دزدگیری خیابانی جان باخت و رفیق فرزین شریفی که در مهرماه ۱۳۶۰ دستگیر و توسط جلادان جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شد. علاوه بر آن برادر وی نیز بعد از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و در سال ۱۳۳۴ توسط جلادان شاه به جوخه اعدام سپرده شد.

مادر شریفی همچون زنی مبارز در راه آزادی و سعادت توده های زحمتکش مردم رنجهای زیادی را متحمل شد و او یکی از فعالین خستگی ناپذیر جنبش دادخواهی "مادران خاوران" بود که به همراه دیگر مردم و بازماندگان خانواده های کشتارهای دهه ۶۰ و بویژه قتلعام زندانیان در سال ۶۷ با مبارزات بیوقفه شان خواستار روشن شدن حقایق پشت پرده این جنایات و سپردن آمرین و عاملین آنها به دادگاه های صالحه بودند و با فداکاریهای، مقاومت و مبارزه اجازه ندادند این جنایات به فراموشی سپرده شوند. باشد که با تداوم راه وی و فعالین جنبش دادخواهی و حمایت انسانهای آزادیخواه و توده های مردم، جنبش دادخواهی چهل سال سرکوب و جنایت به ثمر بنشیند. ما از صمیم قلب درگذشت این انسان مبارز و سختکوش را به خانواده و بازماندگان وی تسلیت گفته و یاد او را گرامی میداریم. روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

اردیبهشت ۱۴۰۰

زاپاتیستها سفر تاریخی خود را به طرف اروپا آغاز کردند!

روز دوشنبه ۳ ماه مه ۷ نفر از نماینده گان ارتش رهائیبخش زاپاتیستها (EZLN) سفر تاریخی خود را از بندر "جزیره زنان" در غرب مکزیک به طرف اروپا آغاز نمودند. هیئت نماینده گی ارتش رهائیبخش زاپاتیستها به نامهای لویستا، کاریلینا، ایکسمنا، یولی، برنال، داریو و ماریخوزه توسط پنج نفر از دریانوردان کلمبیایی و آلمانی همراهی میشوند. حدوداً در طرف ۶ هفته آینده کشتی بادبانی این هیئت زاپاتیستی به شهر (Vigo) در ایالت گالیس در شمال غربی اسپانیا خواهند رسید. از این محل، سفر جهانی این جمع به قاره های دیگر در سراسر دنیا انجام خواهد گرفت. تدارک این سفر ماههاست که از طرف زاپاتیستها و تشکلهای، احزاب و مجامع همبستگی با زاپاتیستها در کشورهای مختلف، صورت گرفته است. برنامه و تدارکات و همراهی با زاپاتیستها در این سفر در مناطق مختلف اروپایی بخوبی سازماندهی شده است. بخصوص در کشورهای غرب اروپا فرانسه، آلمان، بلژیک گزارش میرسد که خیلی از فعالین سیاسی در اروپا علاقمند هستند با انقلابیون زاپاتیست ملاقات کنند. احزاب، سازمانها و مجامع مختلف با شور و علاقه میخواهند که با برگزاری مراسمهای سخنرانی از هیئت زاپاتیستها در شهرهای مختلف دعوت کنند تا آنها از اوضاع کنونی در مکزیک گزارش دهند. مسئولین تدارکات سفر هیئت زاپاتیستها در اروپا (Ya-Basta) خاطر نشان کرده اند که زاپاتیستها در این سفر نه برای تشریح وضعیت مکزیک دست به این سفر زده اند بلکه آنها بیشتر از هر چیز میخواهند از مبارزات و فعالیتهای اجتماعی سیاسی توده ای و مردمی و از تشکیلات و فعالیتهای سازمانهای خارج از مکزیک آشنا شوند.

این سفر که توسط یک کشتی بادی صورت می گیرد یک سمبل ضد استعماربودن را در خود نهفته است. در پیامی که در ماه آوریل ارتش رهائیبخش زاپاتیستها اعلام کرده است، این حرکت را یک "حرکت صرفی" و به عنوان "حملة زاپاتیستها" نام گذارده است. در تاریخ ۱۳ اوت ۲۰۲۱، درست روزی که اسپانیا در ۵۰۰ سال پیش مکزیک را به استعمار کشاند، هیئت (EZLN) در اسپانیا اقامت خواهد داشت. به این شکل ارتش رهائیبخش زاپاتیستها میخواهد با اسپانیا تصفیه حساب کند.

" بر خلاف آنچه که حمله استعمارگران اسپانیا بر علیه ما صورت گرفت ما میخواهیم هم اکنون وارد اسپانیا شویم نه برای اینکه این کشور را تصرف کنیم بلکه میخواهیم تخم زندگی را در آنجا بکاریم." این بخشی از صحبتی است که از طرف مویسر، فرمانده ارتش رهائیبخش زاپاتیستها در ماه آوریل اظهار شده است.

تهیه گزارش از طرف بخش بین الملل
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
مه ۲۰۲۱

پیشنهاد بخش بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به تمامی سازمانها و تشکیلاتهای انقلابی و کمونیست ایرانی:

به تمامی نیروها، سازمانها و تشکیلات انقلابی و کمونیستی ایرانی پیشنهاد میکنیم که در مراسمهایی که برای هیئت (EZLN) در ماههای ژوئن، جولای و اوت در خیلی از شهرهای اروپایی برگزار میشود، شرکت کرده و مبارزین انقلابی زاپاتیستها را از وضعیت و شرایط سرکوب در ایران باخبر کنید. در مراسمهای مجازی و غیرمجازی این هیئت شرکت کنید و چهره دیکتاتوری، سرمایه داری و مذهبی رژیم جمهوری اسلامی را برملا کنید! بزودی زمان و مکان این مراسمها را بدست شما خواهیم رساند!

بخش بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

“پیکرها بر خاک ایده ها پا برجاست”

با تخریب خاوران نمیتوانید دستان خون آلودتان را پنهان دارید

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هربار که پایه های قدرت خود را لرزان میبینند بجان گورهای مکشوفه و غیرمکشوفه ای میافتند که فرزندان مبارز و آزادیخواه ایران را کشته و گروه گروه و بی نام و نشان در این گورهای دسته جمعی مدفون کرده اند . اخیرا برای چندمین بار بجان گلزار خاوران یکی از مشهورترین و گویاترین سند چهل سال جنایت رژیم علیه بشریت افتاده اند و دفعات قبل که مقاومت و مبارزه اعتراضی خانواده ها تا حدودی مانع از تخریب کامل این مکان شد این بار با کندن قبرهای متعدد و فشار به جامعه بهائی که عزیزانشان را در گلزار خاوران دفن بکنند به ترفند جدیدی دست زدند تا بلکه بدینوسیله بتوانند جامعه تحت ستم و تبعیض بهائی را درمقابل خانواده های جانباختگان قرار داده و با ایجاد تفرقه و درگیری بین آنها به نیات پلید خود جامه عمل ببوشانند. اما این ترفند نیز تا به امروز با تلاش و همبستگی جامعه بهائیان و خانواده های جانباختگان مدفون در خاوران و اعتراضات گسترده مردمی خنثی شده است.

خاوران محل گورهای دسته جمعی هزاران کمونیست و انقلابی و انسانهای آزادیخواهی است که سرافرازانه در برابر دار و درفش رژیم ایستادند و درمقابل ارتجاع مذهبی تازه بقدرت رسیده سر فرود نیاوردند. آنها با سربلندی جانشان را در راه آزادی و سعادت توده های مردم فدا نمودند. چپاولگران سرکوبگرحتی ازمرده آنها نیز وحشت دارند . این اولین بارنیست و آخرین بار نیز نخواهد بود که رژیم دست به تخریب گورهای دسته جمعی اعدام شدگان و قربانیان جنایات خود میزند . گورهایی که نه تنها درخاوران بلکه در سراسر ایران شهدای بخون خفته راه آزادی، سوسیالیسم و رهایی را در برگرفته است . این گورها شواهدی انکارناپذیر علیه جلادانی است که تنها از طریق کشتار و سرکوب و اعمال جنایتکاران توانسته اند دست رنج مردم را به یغما برده و به مافیای قدرت و ثروت تبدیل شوند. اما آنها فراموش کرده اند که ایده ها و آرزوهای بخاک افتادگان برپا و پرچم مبارزه آنها دراعتصابات و اعتراضات و مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و دانش آموزان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر زحمتکشان در اهزاز است چرا که آنها پیشگامان و سرافرازان تاریخ مبارزات توده های زحمتکش مردم ایران برای پایان دادن به ستم و استثمار و زور و سرکوب هستند و هرگز فراموش نمیشوند.

با یاری به اعتراضات همیسته خانواده های دادخواه وسازماندهی اعتراضات گسترده درسطح ایران و جهان باید مانع از تخریب خاوران و خاوران های متعددی شویم که هرکدام از این گورها سند جنایت انکار ناپذیری است که آمرین وعاملین آنها را در مقابل توده مردم ایران و بشریت مترقی پاسخگو میکند.

یدی شیشوانی اردیبهشت 400

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و درالویت
قرار خواهد داد که مستقیما برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونیست منتشر می شود .
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونیست و یا ارگانهای ان با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !